

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید. (سوره حجرات آیه ۱۰)

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال پنجم * شماره ۷۵ * ۱۳۹۰ ثور * 2011 * May * 5

جلسه ای پیرامون اساسنامه شرکت هوایی آریانا تحت ریاست وزیر عدلیه ج.ا.ا دایر گردید



جلسه مذکور روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۰/۲/۵ به اشتراک وزیر اقتصاد، معین وزارت مالیه و رئیس شرکت هوایی آریانا تحت ریاست لارنپوه حبیب الله غالب وزیر عدلیه کشور در دفتر کارش برگزار گردید.

هدف از مجلس مذکور جادادن نظریات اعضای جلسه در اساسنامه شرکت هوایی آریانا جهت غنای اساسنامه مذکور تشکیل میداد و در جلسه فیصله گردید که ۵۱٪ سهم دولت در شرکت هوایی آریانا ثابت بماند و بقیه سهام بالایی منتشین خصوصی به فروشبرسد و همچنان سهم وزارت مالیه در شرکت هوایی آریانا تجزیه گردد و در ضمن اشخاصیکه از جمله سهم داران اند نمی توانند که از جمله هیئت عامل و هیئت نظار باشند:

ضرورت و نیازی به حمایت بین المللی ندارند؛ مثلاً: سفید پوستان افریقای جنوبی در زمان آپارتاید:

۳- صفات مشخصه اقلیت:

اقلیت ها دارای ویژگی های خاص خویش می باشند که رفتار شخصی یا دسته جمعی، آنها را از اکثریت متمایز می سازد. این ویژگی ها دارای ریشه نسبتاً عمیقی است؛ مانند: نژاد، پوست، دین، ملیت، زبان یا بطور کلی فرهنگ خاص. از این لحاظ اقلیت های سیاسی یا اجتماعی در این دسته قرار نمی گیرند زیرا وابستگی این اشخاص به این گروهها بر اساس اراده آنهاست.

۴- عنصر روانی: با توجه به اینکه اقلیت ها آگاهند که متعلق به گروه اکثریت نیستند و از جانب دیگر موجودیت حس همبستگی بین آنها باعث نيل و توجه به اهداف مورد نظر آنها گردیده که این حس را بین ایشان بیشتر تقویت می بخشد. علایم مشخص کننده اقلیتها اگر چه تعیین کننده وضعیت آنها نیست اما یک مبنای تحقیقاتی به حساب می آید... ادامه درص ۳

مذهبی یا زبانی متفاوت با بقیه جمعیت میباشند و دارای نوعی از انسجام هستند که به سمت حفظ فرهنگ، سنتها، مذهب یا زبان خود پیش می روند. بطور کلی تحقیقاتی که درباره مفهوم اقلیت انجام گرفته، گرچه تاکنون نتیجه رضایت بخشی نداده لیکن می توان از نتایج آن، لا اقل معیارهایی را کشف کرد که در تشخیص اقلیت از اکثریت، موثر واقع شوند. معیارهایی تعیینکننده که از مطالعه گروه های مختلف اقلیت به دست آمده عبارت است از

۱- معیار کمیت: که از حیث تعداد، نسبت به سایر جمعیت، در اقلیت به سر میبرند.
۲- عدم حضور در حاکمیت: یعنی اقلیت طبقه حاکمه کشوری که در آن مستقر هستند را تشکیل نمی دهند. طوریکه این واقعیت بر همه هویداست که از طرف قدرت های بین الملل گروه هایی مورد حمایت قرار می گیرند که تحت حکومت اکثریت قرار دارند. این هم یک امر واضح است اقلیت هایی که زمام قدرت را بطور دسته جمعی در دست دارند

حقوق اقلیت ها

گلالی سنگر خیل عزیزی

قبل از این که در مورد حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی بحث داشته با شیم ابتدا به بیان معنی و تعریف اقلیت هائی پردازیم. اقلیت در لغت به معنی قسمت کمتر، بخش کمتر و در مقابل اکثریت آمده است. در اصطلاح عبارت است از: گروهی از افراد یک کشور یا یک شهر که از لحاظ دین و مذهب یا نژاد از اکثریت متمایز باشند. سازمان ملل متحد جهت ارایه یک تعریف جامع و کامل به واژه اقلیتها تلاش ورزیده ولی به نتیجه نرسیده است. اما به اساس ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اقلیت گروهی است که از نظر تعداد از بقیه جمعیت یک کشور کمترند؛ در وضعیت غیر حاکم قرار دارند؛ اعضای آنها تبعه دولت محسوب می شوند که دارای ویژگی های نژادی،

مجازات از دیدگاه حقوقدانان

تتبع و نگارش: فیض الله «خواجه آمنی»

جرم در ادوار مختلف تاریخی عکس العمل اجتماعی و فردی را به همراه داشته و این عکس العمل در تاریخ بنام جزاء یاد گردیده است.

اگر به تاریخچه جرم و جزاء نگاه کنیم حقوق جزاء در طول تاریخ سه مرحله را سپری نموده که عبارت است از: **مرحله اول** - مجازات به شیوه خصوصی که شامل انتقام شخصی می باشد.

مرحله دوم - مجازات اجتماعی که معمولاً صلاحیت مجازات متعلق به دولت بوده بنام جامعه و به نفع جامعه از طرف دولت مجازات تعیین می گردید

مرحله سوم - مجازات از نگاه قانون است، به این معنی که مجازات اجتماعی بنا بر خصلت خود کامگی و عدول مقامات دولتی و قضائی از معیارهای جزایی، علما و دانشمندان را واداشت تا مراحل مختلف مجازات را مورد انتقاد قرار دهند که نظریات و پیشنهادات علما و دانشمندان منجبت متن قانون شامل حقوق جزاء گردید. مرحله بعدی یعنی مجازات از نگاه قانون بمیان آمد. حقوق جزاء طوریکه گفتیم در هر زمان به شکل یک عکس العمل و موجود بوده در این اواخر مویده دیگری شامل ساحة حقوق جزاء گردیده که عبارت از تدابیر امنیتی می باشد. عده ای از علمای حقوق اشکال مختلف مویدهات مانند جزاء و تدابیر امنیتی را رد نموده پیشنهاد می نمایند که همه باید به شکل واحد تحت یک سیستم مدافعه اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.

جزاء در جوامع اولیه به شکل یک عکس العمل طبیعی و غریزی موجود بوده، آهسته آهسته بصورت یک وسیله خدمات عامه، هم آهنگ و با هم مرتبط در آمده که شکل حقوقی را به خود گرفته است در رابطه با حتمی بودن و مجبوری بودن جزاء بین علمای حقوق اختلافی وجود ندارد. زیرا حفظ و حمایت نظم عامه و دولت بدون مراجعه به مویدهات جزایی امکان پذیر نمی باشد. اما در مورد اساس ماهیت مویدهات جزایی مباحث زیادی صورت گرفته و به این ارتباط اختلاف نظر هایی وجود داشته است. حتی امروز با وجود پیشرفت هایی در عرصه های مختلف حقوق، خصوصاً علم حقوق جزاء اختلافات در زمینه وجود دارد. از توضیحات بالا به این نتیجه میرسیم که دو نظر اساسی متفاوت به ارتباط ماهیت جزاء موجود می باشد:

۱- یکی از اهداف مجازات عبرت گرفتن دیگران می باشد.

۱- ناحق بودن جزاء مربوط به منفعتی نمی شود که از آن متصور می باشد.

تعریف جزاء:

به موجب قانون جزاء جرم عبارت از عملی است که ارتکاب آن مغایر نظم عامه باشد و جزاء مجموعه قواعد حقوقی است که جرایم را تعیین می نماید. به عبارت دیگر جزاء عبارت از مویده ترساننده در برابر فعالیکه به پیمانہ وسیع برای اجتماع ضرر می رساند می باشد. مرتکبین این اعمال را به بعضی محرومیت ها تابع ساخته و از سایر اهداف جرمی شان جلوگیری می نماید.

... ادامه درص ۲/

قسمت (تقسیم) اموال و انواع آن

تتبع و نگارش: عبدالرحمن علی

این یک حقیقت مسلم است که در مواردی چون به ارث بردن، خرید و فروش، هدیه (بخشش) و قبول وصیت، مالی بین دو یا چند نفر بطور مشترک قرار می گیرد و یا اموال دو یا چند نفر طوری به هم یکجا می گردد که در اثر این یک جا شدن سهم یکی از دیگری تمیز و تفکیک شده نتواند. به منظور تثبیت سهم هر یک از شرکاء یک سلسله احکام شرعی و قانونی وجود دارد که بر اساس آن، طبق تقاضای مشترکین و یا در اثر حکم محکمه، مال مورد قسمت (تقسیم) قرار می گیرد. با توجه به اینکه

تقسیم ملک مشاع یا به عباره دیگر رفع مشاع بواسطه تقسیم از مباحث عمده و اساسی در حقوق خصوصی خاصاً در حقوق عینی است که عملاً همه روزه این پدیده اتفاق می افتد. در حقیقت داشتن اموال مشترک، کار مشترک، منفعت مشترک باعث شراکت گردیده و تقسیم آنها و از بین بردن شراکت امروز بخشی بزرگی از زندگی اتباع کشور را تشکیل میدهد.

تقسیم از نظر فقها تمیز حق، تعریف شده است. چنانچه ماده (۱۱۱۴) مجله الاحکام قسمت را چنین تعریف نموده است: «قسمت عبارت از تعیین حصص شایعه، یعنی افزایش بعضی حصه های شایعه از بعضی آن، ذریعه یک پیمانہ و اندازه؛ مانند ذرع، وزن و کیل می باشد.»

به نظر تعدادی

انواع قسمت (تقسیم):

قسمت به دو نوع است:

- قسمت جمع
- قسمت تفریق.

اینک هر یک از این دو مورد را به صورت مختصر بیان می داریم:

ادامه درص ۳/

مجازات واکنش و عکس العملی است که در برابر اجراء اعمال مجرمانه و یا ترک اعمالی که قانون به آن امر نموده، پنداشته شده است که این واکنش و عکس العمل به عنوان ابزار و ادوات مبارزه با پدیده جرم و مجرم استعمال می شود. خصوصیات مجازات ترس و ارعاب بوده و اهداف آنرا در اصلاح مجرمین، عبرت سائرین و تأمین عدالت در جامعه می توان جستجو کرد. مجازات گرچه اقدام تنبیهی محسوب شده است و به اساس قانون بوسیله حکم مقامات قضایی علیه مجرم اجراء می گردد که هدف از آن جبران ضرری است که از عملکرد مجرم به مضرر و جامعه وارد شده است و یا مجازات عبارت است از درد و رنجی که محکوم علیه بخاطر نادیده گرفتن قانون و تخلف از آن متحمل می شود، (مجازات جزای که بخاطر نقض قوانین و یا ارتکاب جرم مجرم در مطابقت احکام قانون تحمل می شود) به هر صورت اجراء مجازات خالی از مفیدیت نیست زیرا برای جامعه مؤثر بوده و ضمناً باعث می شود که متخلف از قانون اصلاح و تنبیه شده و همچنین موجب عبرت دیگران گردد. از طرفی هم ضرر ناشی از فعل مجرمانه که بر نظم جامعه وارد شده جبران می گردد. آنچه در مجازات قابل توجه است قواعد و اصول مهمی می باشد که در تطبیق جزا ها آنرا باید رعایت نمود که در ذیل به آن اشاره می گردد:

- اصل قانون بودن مجازات؛ هیچ کس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. (ماده سوم قانون جزاء)... ادامه درص ۲/

مجازات های

پیشبینی

شده در

قانون جزاء

دردانه فضائی

خصوصیات جزاء :

در اینجا لازم است که به ارتباط خصوصیت جزاء، جزاء را از سایر مویدات تفکیک نماییم. جزاء با تابع ساختن فاعل جرم به بعضی محرومیت ها اولتر از همه ماهیت رنج دهنده و درد کننده آن را نشان میدهد . یعنی جزاء بالای مرتکب عمل جرمی بعضی محرومیت ها را وضع نموده از بعضی حقوقش محروم می سازد . همین طور که ماهیت رنج و عذاب دهنده جزاء در هر دوره و هر زمان قابلیت تغییر را دارد. به این مفهوم که به تناسب پیشرفت تکامل جوامع بشری یک سیر نزولی را پیموده جزای شدید.

مجازات از دیدگاه...

جای خود را به جزاهای نسبتاً خفیف و جزاهائیکه دارای اهداف معین باشد، می گذارد در دهنده در سایر شعبات حقوق مویداتی وجود دارد که در تطبیق آن رنج و عذاب متصور است، مثلا صدور حکم تادیه جبری مدیون و یا فروش چایداد مدیون، از اثر حکم محکمه. ازینکه این جزاها باعث رنج و درد نمیشود و این جزاء ها ماهیت جزاء را ندارد. لذا میتوان این جزاء‌ها را بنام تدابیر امنیتی که در کنگوری دیگر مویدات جزاء می باشد یاد می گردد .
طوریکه گفته شد وصف رنج و عذاب دهنده جزاء از یک حالت شدید

معرفی قانون سرمایه...

کمیسیون می تواند در صورت ضرورت نمایندگان سکتور خصوصی را غرض مشوره نیز در جلسات دعوت نماید. وظایف این کمیسیون شامل تصویب طررالعمل تدویر جلسات کمیسیون و اتخاذ تصمیم و ثبت آن دراولین جلسه، ایجاد دفتر آیسا به منظور پیشبرد امور اداری مربوط، نظارت بر وضعیت عمومی سرمایه گذاری در کشور و پیشنهاد تعدیلات در این قانون به منظور بهبود امور مربوط به مراجع ذیصلاح، پیشنهاد وضع مقرره به شورای وزیران و تصویب لوایح و طرز العمل ها به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، منظوری نصاب سرمایه ابتدایی، پذیرش موسسات منظور شده در مورد اندازه سرمایه گذاری بالاتر یا برابر با حد نصاب تعیین شده بعد از کسب نظر مشورتی از دفتر، اعطای صلاحیت به دفتر سرمایه گذاری مبنی بر پذیرش تشبثاتی که اندازه سرمایه گذاری آن کمتر از حد نصاب پیشبینی شده این قانون باشد و اتخاذ تصمیم در مورد شکایات ارایه شده تشبثاتیکه در خواست سرمایه گذاری آنها با ارایه دلایل کتبی از طرف دفتر رد می گردد.

در فصل چهارم و پنجم این قانون موضوعات چون حقوق و وجایب تشبثات منظور شده، رعایت قوانین نافذه، حق مصونیت از اعمال تبعیض حکومت، امتیازات مالیاتی تشبثات منظورشده، معافیت گمرکی تشبثات منظور شده، کار و استخدام و اجاره زمین، انتقال سرمایه و مفاد مربوط به سرمایه گذاری های خارجی، انتقال مفاد سرمایه مرتبط با سرمایه گذاری خارجی، انتقال اصل قرضه خارجی و سایر پرداخت های آن پرداخته است. چنانچه در مورد امتیازات مالیاتی تشبثات منظور شده در ماده هفدهم این قانون چنین صراحت دارد:

«(۱) تشبث منظور شده

یکه در فعالیت خویش به ضرر خالص مواجه گردد، می تواند ضرر عایده را به سال های مالی بعدی انتقال داده و آنرا از عواید قابل مالیات خود تا حدودیکه قانون مالیات بر عایدات مجاز می داند، وضع نماید. (۲) تشبث منظور شده حق استفاده را از کسرات استهلاکات سریع بردارایی های سرمایوی خود طبق قانون نافذه مالیات بر عایدات دارا می باشد.»

مجازات های پیشبینی شده...

-اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی؛(به این معنی که قوانین جزای به ماقبل رجعت نمی کند به استثنای موارد خاص)

-اصل تفسیر مضیق و محدود از قوانین جزایی؛

-اصل تساوی در جرایم و مجازات؛ (به این معنی که مجازات متناسب به جرایم باشد)

-اصل شخصی بودن مجازات؛"جرم یک عمل شخصی است تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم وتطبیق جزا براو به شخص دیگر سرایت نمی کند ماده ۲۶ قانون اساسی."

قانون جزاء جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم نموده و مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می شود. مجازاتها نظر به نوع جرایم بر چهار قسم تقسیم شده است:

۱- حدود:

حدود جمع حد است و حد در لغت به معنای منع آمده است در اصطلاح حد به مجازاتهای اطلاق می شود که نوع و میزان آنرا شریعت بیان کرده و معمولا قابل تشدید، تخفیف و تعلیق نمی باشد مانند شرب خمر ، حد زنا و حد سرقت و

۲- قصاص:

قصاص در لغت به معنای پیگیری کردن است و در اصطلاح مجازاتی است که مجرمبه آن محکوم می شود و باید با جنایت وی برابر باشد.

۳- دیه:

دیت در لغت به معنای خون بها است و در اصطلاح عبارت است از مالی که به سبب جنایت بر نفس یا عضو ازطرف جانی به مجنی علیه یا اولیای او پرداختهمی شود.

۴- تعزیرات:

تعزیرات جمع تعزیر و تعزیر در لغت به معنای تادیب ، عقوبت و آمده است. در اصطلاح به مجازاتی گفته می شود که تعیین نوع و میزان آن بدست قاضی می باشد..... ادامه در شماره بعدی

سال پنجم * شماره ۷۵ * ۱۳۹۰ * ثور 5 * May * 2011

جرم تطهیر پول از...

۱- ، حصول، تصاحب یا مورد استفاده قرار دهد و یا دلایلی مبنی بر آگاهی موصوف از منشای جرم وجوه و دارایی ها موجود باشد.

۲- در صورت شریک شدن یا داخل شدن در یک قرارداد یا معامله طور مستقیم و یا به نمایندگی از شخص به خاطر فراهم آوری تسهیلات جهت حصول، نگهداری، استعمال و کنترل وجوه دارایی ها با وصف آگاهی و یا موجودیت دلایل قوی مبنی برآگاهی وی براین که وجوه و دارایی ها طور مستقیم و یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده است.

۳- پنهان کردن یا تغییر شکل دادن وجوه و دارایی ها مندرج فقره(۱) این ماده شامل کتمان یا تغییرشکل ماهیت، منبع، موقعیت، فروش، ازدست دادن، انتقال، مالکیت یا هرگونه حقوق درخصوص وجوه و دارایی ها می باشد. آگاهی وعلمی که در فقره(۱) این ماده به حیث عنصر متشکله جرم پنداشته می شود، به آثار و علایم جرمی به دست آمده و حقایق ماحول آن استناد می گردد."

حقوق دانان نیز در مورد تعریف جرم تطهیر پول نظریاتی را بیان نموده اند:

«تحصیل، تملک، نگهداری و یا استفاده از درآمد ها با علم به این که مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب) تبدیل، مبادله یا انتقال درآمد ها به منظور پنهان کردن منشای غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم است یا کمک به مرتکب، به نحوی که مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.»

با توجه به تعاریف فوق تطهیرپول و بعضی از جرایم دیگر مرتبط با هم بوده و می توانند به حیث عامل یا معلول یکدیگر عمل کنند. به عنوان مثال؛ اگراحمد در کشت، قاچاق یا ترافیک مواد مخدر دخیل باشد، این کار وی، باعث به میان آمدن جرم تطهیرپول نیز می گردد. زیرا اگر احمد به اثر فروش مواد مخدر یکباره پول هنگفتی را بدست می آورد، خود این عمل، جرم است. درضمن وی زمانی که مواد مخدر را در مقابل پول می فروشد جرم خرید و فروش مواد مخدر را مرتکب شده است. سپس همین پول را در یک تجارت مشروع سرمایه گذاری نماید، سرمایه گذاری و عواید ناشی از آن، جرم تطهیر پول است به همین خاطر این عمل وی یکی از مصادیق تطهیر پول پنداشته شده و مرتکب مورد تعقیب عدلی قرارگرفته و مجازات می گردد. نتیجه دیگری که از مثال بالا می گیریم آنست که جرم تطهیرپول بعد از طی مراحل متفاوت به وقوع می پیوندد. به عبارتی متخلفان با استفاده از نیرنگ های متفاوت منبع تصاحب مال و دارایی را از نظرسیستم های بازرسی و اجرای قانون پنهان می سازد. باید نگاهشت که قانون تطهیرپول باوجودی که مرتکیان را در همه مراحل مستحق مجازات دانسته است؛ اما، به این صورتی که دراین نوشته ذکر آن رفته است، برای جرم تطهیرپول مرحلهی را در نظر نگرفته است. مرحله اول تطهیر پول به نام "استقرار" یا "جای گزینی" یاد می شود. به عنوان نمونه؛ احمد بعد از این که مواد مخدر را فروخت با استفاده از سیستم ارسال غیررسمی پول،مانند حواله،پول رابه خارج از کشور می فرستد.

این مرحله را به نام جای گزینی یاد می کند. ممکن است احمد پول مذکور را به چندین حصه تقسیم نموده و با افتتاح چندین حساب بانکی برای خود و پسران خویش، حسابات مجهول الهویه، با نام های جعلی و یا با نام فرد مورد اعتمادش ایجاد و در زمان های مختلف پول را در بانک ذخیره نماید. به این صورت وی موفق به گذراندن مرحله جای گزینی می گردد. درکشورهایی که مقررات سخت بانکی روی سپرده های بانکی وضع نگردیده و کنترل دقیق از تحویل دهی، انتقال و خارج ساختن پول ازحسابات بانکی موجود نباشد، متخلفین می توانند درآمد های غیر قانونی را وارد سیستم مالی کرده و به اسرع وقت آنها را به خارج از کشور انتقال دهند.

مرحله دوم تطهیرپول به نام استتار (پرده افکندن روی منبع کسب درآمد غیر مشروع) می باشد. طی این مرحله متخلفان منبع کسب درآمد را با پیدا کردن محل مصرف برای آن، پنهان می کنند. درمثالی که بیان شد، وقتی احمد پول را به خارج کشور ارسال کند وی می تواند با استفاده از پول نامشروع، مال تجارتری را وارد کشور نموده، تعقیب نحوه کسب درامد را مشکلتر سازد. علاوه برآن بعد از این که احمد مال تجارتری اش را بفروشد، خود به خود می تواند ادعا کند که سرمایه اش را از طریق فروش اموال تجارتری به دست آورده است. به این صورت احمد توانسته است که بر روی درآمد های نا مشروع، با انجام معاملات خاص، پرده بیافگند.

در مرحله نهایی اثرجرم تطهیرپول به سبب یکجا کردن درآمد غیرمشروع با درآمدهای دیگر محو می شود. به همین خاطر این مرحله را به نام "مرحله ادغام" یاد می کنند. طی این مرحله متخلفان با استفاده از درآمد غیرمشروع به طور مثال شرکت تولیدی تاسیس میکنند.

چنانچه در مثال قبلی اگر پدری مواد مخدر را قاچاق کرده و با پول آن مال تجارتری به کشور وارد می کرد (مرحله اول و دوم)، دراین مرحله با استفاده از پول و مفاد مال تجارتری، شرکت تولیدی ای را تاسیس می کند. به این صورت صاحب شرکت مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد. زیرا اسناد و شواهدی مبنی بر ارتکاب جرم وجود ندارد.

یکی از راه های تطهیرپول، پرده افکندن روی منابع درآمدهای غیرمشروع، انتقال الکترونیکی (ازطریق بانکها، ای تی ایم کارت وغیره) یا انتقال فزیکی پول به خارج کشور می باشد. بنابراین علت است که پاراگراف اول ماده سوم قانون تطهیرپول و جرایم ناشی از آن چنین تصریح می دارد:

«شخصی که مبلغ بیش از یک میلیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی را به شکل نقد و یا به شکل سند قابل معامله بی اسم یاخود از سرحد کشور خارج و یا داخل نماید و یا ذریعه ارسال پستی، قاصد و سایر اشکال دیگر تورید و یا صادر نماید، درصورت عدم اطلاع دهی کتبی قبلی به مقامات مربوطه مسوول شناخته شده و درصورت محکومیت برعلاوهٔ مصادرهٔ پول نقد و اسناد معامله به جریمه نقدی معادل آن نیز محکوم می گردد.»

علاوه بر مصادره اموال فوق الذکر مطابق به حکم قانون، وجوه و دارایی که به منظور"ارتکاب جرم تطهیرپول" استفاده می گردد به حکم محکمه مصادره می گردد. هم چنان عوایدی که به اثر ارتکاب جرم به دست آمده و هم چنان عواید مخلوط با عواید ناشی از جرایم مصادره گردیده و بنابراینحکم ماده سی و شش قانون مبارزه علیه تطهیرپول و عواید ناشی از جرایم آن، به دولت تعلق می گیرد.

قانون تطهیرپول برای متخلفین علاوه بر مجازات نقدی، جزاهای دیگرنیز پیش بینی کرده است. چنانچه در ماده(۴۶) این قانون برای اشخاص حقیقی تطهیرکننده حبسی که از دو سال کمتر و از پنج سال بیشتر نباشد و یا جریمه نقدی ایکه که پنجاه هزار افغانی کمتر و از دو صد و پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد و یا هر دو جزا تعیین گردیده است. به عنوان نمونه اگر باند های جنایتکار یا شرکتی دست به جرم تطهیر پول بزند باید جزاهای تعیین شده بالای آنها تطبیق گردد. اما اگر شخص حقیقی(مانند کارمند، وکیل و یا نماینده شخص حکمی) دست به تطهیرپول بزند، مطابق به ماده (۴۸) قانون مذکور، به«جریمه نقدی که از دو صد و پنجاه هزار افغانی کمتر و از یک میلیون و دو صد و پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد، محکوم می گردد.»

درنتیجه می بینیم که چون تطهیرپولدرتقابل با منافع عامه، منافع خصوصی و قانون قرار می گیرد، قانون تطهیرپول و جرایم ناشی از آن، تطهیرپول را عمل جرمی دانسته و مجازات های مالی و غیر مالی را برای تطهیرکنندگان پول پیش بینی کرده است. به‌این صورت افرادی که می خواهند با استفاده از راه های غیر قانونی درآمدهای نامشروع شان را قانونی جلوه دهند، در پنجه قانون قرار گرفته؛ قانون تطبیق گردیده و نظم جامعه نگه داشته می شود.درضمن تصویب و تعقیب تهطیرکننده گان، کشف و تعقیب مجرمان را نیز هموار می سازد.هم چنان بااجرای مجازات مالی و غیرمالی بالای متخلفان باعث می گردد که ازوقوع جرایم متحمل و مرتبط با تطهیرپول جلوگیری گردیده و مردم نیز دست به تطهیرپول نزنند.

منابع

۱- قانون مبارزه علیه تطهیرپول و عواید ناشی از جرایم؛
۲- مجله عدالت، شماره ۸۴، سال ۱۳۸۸، مقاله "آشنایی با جرم پولشویی و آثار زیان بارآن."

حقوق اقلیت ها...

وجود آورد تا مطالعات وتوصیه هایی در این باره به

عمل آورد. کمیسیون فرعی از هجده عضو که توسط کمیسیون حقوق بشر و با رضایت دولت ها ی متبوع شان انتخاب شده اند تشکیل شده است.کمیسیون فرعی مذکور از سال۱۹۵۲به مطالعه جنبه های اساسی تبعیض در شئون مختلف زندگی پرداخت؛ مانند تبعیض درآموزش وپهروش، تبعیض دراستخدام واشتغال، تبعیض درموردحقوق اساسی، تبعیض علیه اشخاصی که بدون ازدواج به دنیا آمده اند و تبعیض نژادی درزمینه های سیاسی، اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی .

کنفرانس عمومی یونسکو درتاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ یک میثاق ویک توصیه علیه تبعیض در امر آموزش وپهروش به تصویب رساند. ابتکار کمیسیون فرعی، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۳ از سازمان بین الملل کار(آیلو)درخواست کرد ومطالعه درباره تبعیض در استخدام واشتغال را به عهده گیرد.

درنتیجه این مطالعه "ایلو"به تاریخ ۲۵ جون ۱۹۵۸یک میثاق ویک توصیه در مورد تبعیض در استخدام واشتغال تصویب کرد که مورد اجرا گذاشته شد. برای ترویج برابری امکانات و رفتار درمورد اشتغال واستخدام از طریق شیوه های مناسب، دولت ها باید شرایط ورسوم ملی خود را اتخاذ نمایند.

هدف این سیاست رفع هر گونه تبعیض در مورد استخدام واشتغال می باشد. کمیته فرعی همچنین مطالعات خود را در باره انواع مختلف تبعیض انجام داده است از جمله تبعیض در مورد حق افراد برای ترک یک کشور.

کمیسیون فرعی در سال ۱۹۶۵ تصمیم گرفت در پرتو "اعلامیه ملل متحد در باره رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی" مطالعه خاص و ویژه را در باره تبعیضات نژادی و مظاهر آن در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عهده بگیرد.مجمع عمومی درهفدهمین اجلاس خود در سال ۱۹۶۲ کلیه مظاهرتبعیضات نژادی ملی و مذهبی را تقبیح کرد واز دولت های تمام کشور ها خواست کلیه اقدامات الزم را برای الغای قوانین تبعیضی به عمل آورند و در صورت لزوم قوانینی برای مبارزه با این گونه تبعیضات وضع کنند.

قسمت (تقسیم) اموال...

قسمت در جمع آن است که حصص معلوم در هر جز از اجزای اشیای مشترکه موجود باشد؛

۱– طور مثال اگر سی راس گوسفند بین سه نفر به طور مساوی مشترک باشد، در صورت تقسیم آن سی گوسفند برای هر یک از شرکا ده راس گوسفند می رسد به این نوع تقسیم قسمت جمع گفته می شود.

۲– قسمت در تفریق عبارت از تعیین حصه معلوم در شی واحد، مشترک می باشد. مثل اینکه یک ساحه زمین، مشترک بین دو نفر واقع باشد. در صورت تقسیم بین شان، آن را قسمت تفریق می نامند.

۳– قانون مدنی درماده ۱۹۵۹ اشکال قسمت را چنین تصریح نموده است:

۴– «تقسیم بدو شکل صورت می گیرد، یکی به جمع حصه مشاع در هر فرد از افراد مال اعیان مشترک که تقسیم جمع یاد می شود و دیگری به تعیین حصص مشاع در یک عین مشترک که تقسیم تفریق نامیده می شود.»

۵– قابل یاد آورiest که قسمت از یک لحاظ جدا کردن حصه مشترکه و ازجهت دیگر مبادله(چیزی را به عوض چیزی دیگر تبدیل کردن) و یا گرفتن سهم و حصه می باشد. مثلاً دو شخص در یک ظرف پر ازگندم شریک اند پس هر کدام از شرکا درهر دانه گندم بطور مناصفه شریک می باشند. در صورت که گندم مذکور بدو حصه تقسیم شود، این تقسیم قسمت جمع محسوب می شود. اما با اعطای یک حصه برای یک شریک و حصه دوم به شریک دیگر، هر واحد از شرکا، نصف حصه خود را مبادله نموده اند، در این حالت دیده می شود که موضوع جدا کردن و هم موضوع تبادلله مطرح می گردد.

۶– در صورتیکه ساحه زمین بین دو نفرمشترک باشد در حالیکه در نصف هر جزعرصه مذکور هر واحد شرکا حصه می داشته باشند، در صورت که بر اساس قسمت تفریق، تقسیم گردد، هر واحد شرکا با گرفتن یک حصه ساحه زمین، نصف حصه خود را جدا نموده، نصف حصه دیگر را با نصف شریک خود مبادله نموده است.

۷– قابل یاد آوری است که حالت افزا(ز(جدا ساختن) اکثراً در اموال مثلی واقع می شود. بنابراین هر یک از شرکا در اموال مثلی در غیاب شریک دیگر حصه خود را بدون اخذ اجازه از وی تسلیم شده می تواند؛ اما تا وقتیکه حصه شریک غایب به وی تسلیم داده نشود، تقسیم کامل نمی گردد. در صورتیکه حصه شریک غایب قبل از تسلیمی وی ضایع و از بین برود، حصه ای را که شریک اول قبض نموده بود بین هر دو مشترک می باشد. بطور مثال ۱۰۰ تخم مرغ بین دو نفر مشترک می باشد، یک نفر از این دو شریک می خواهد تخم های مشترکه را در حالی که شریک وی حضور ندارد، در غیاب وی تقسیم، حصه اش را که ۵۰ عدد می شود جدا وقبض می نماید، ۵۰ عدد تخم دیگر حصه شریک غایب باقی می ماند، هرگاه قبل از تسلیم دادن بوی تلف شود، همان ۵۰ تخم که شریک حاضر حصه خویش را جدا نموده است، بین هر دو شریک مشترک محسوب می شود، چرا که شریک غایب هنوز حصه اش را قبض نموده است. بنا همین ۵۰ عدد بین هر دوشریک ۲۵– ۲۵ عددی مشترک می باشد. اگر شریک غایب حاضر شود و تقسیم صورت گیرد، حصه هر یک از شریکین ۲۵ عدد می باشد.

۸– طوریکه بیان گردید این نوع تقسیم در اموال مثلی صورت می گیرد. اما در اموال قیمی تقسیم اکثراً به مبادله شباهت و نزدیکی دارد که مواردی آن در تقسیم ساحه زمین در فوق تذکر داده شد.

حقوق اقلیت ها در اسناد بین المللی :

اقلیت هادرجامعه،همیشهدرمقابل اکثریت ها آسیب پذیرهستندوموردظلموتعدیقرارگرفتهاست. بنابراین جامعه ملل وسازمان ملل متحد تلاش و اقدامات لازم را جهت حمایت از اقلیت ها به عمل آورده است.اولین تلاش های بین المللی برای حمایت از اقلیت هاو منع تبعیض نژادی و مذهبی باعقد معاهدات ذیل صورت گرفت:

– عهد نامه وستفالی ۱۶۴۸:

– عهد نامه وین در سال ۱۸۱۰که صریحا به آزادی مذهبی اشاره دارد؛

– معاهده سال ۱۸۵۶ پاریس که تبعیض نژادی ومذهبی را منع می کند؛

– معاهده برلین در سال ۱۸۷۸ که تمامی حقوق و آزادی های فردی را بدون تبعیض نژادی، مذهبو زبانی تضمین می کندبعد ازفروپاشی امپراتوری های روسیه،اتریش، مجارستان و عثمانی، بحث اقلیت ها به میانآمد. خواست های اقلیت هایی که دردو طرف مرزهای سیاسی پراکنده بودند، صلح و ثبات جامعه بین المللی را در معرض خطر و تهدید قرار داده و اهمیت بین المللی آن نمایان شد. اینمساله باعث شد که حقوق بین المللی به این امر توجه نماید. با تشکیل جامعه ملل، این جامعه، درپهلوی اقدامات دیگر به حمایت از اقلیت ها نیز پرداخت. نتیجه این حمایت چنین شد که تبعه اقلیت یک کشور بتواند به یک سازمان بین المللی علیه کشورمتبوع خویش شکایت کنند.جامعه ملل برای اقلیت ها حقوق وامتیازاتی قابل بود، اما در مقابل، وظایفی را هم به عهده آنها می گذاشت؛ مثلا اقلیت ها را موظف می دانست که وفاداری خود را به کشور متبوع خویش ابراز کرده همکاری صمیمانه ای با آن داشته باشد.سازمان ملل حمایت از اقلیت ها را بیشتر از جامعه ملل مورد توجه قرار داده است. بطورمثال: در منشور و هم در معاهدات و مقررات دیگر مربوط به حقوق بشر، راجع به حقوق اقلیت ها بحث شده است. چنانچه تصویب ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از اولین گام ها در این زمینه است.

کمیسیون حقوق بشردر سال ۱۹۴۶ کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض علیه اقلیت ها ودفاع از آنها را به

مصاحبه ای با رئیس مرکز ...

کی از ریاست های مهم وزارت عدلیه، ریاست مرکز اصلاح و تربیت اطفال است؛ اینک پیرامون فعالیت های این مرکز مصاحبه ای را که با جناب آقای صدیقی رئیس محترم مرکز اصلاح و تربیت اطفال انجام داده ایم خدمت خوانندگان محترم تقدیم می داریم:
لطف نموده معلومات مختصرپیرامون وضعیت کلی مراکز اصلاح وتربیت اطفال ارائه داشته و بیان دارید که این مراکز به چه منظوری بوجود آمده است؟

طی سال اخیر مراکزاصلاح وتربیت اطفال درمقایسه با وضعیت سابق آن بهبودی خوبی را کسب نموده است. ما امیدواریم بتوانیم در آینده نزدیک به وضعیت بهتری دست یابیم.درکل میتوان دست آورد های مهم وکلیدی را درچندنگته ذیلبرشمرد:

• **درسال ۱۳۸۲** طی فرمانشماره(۲)۱۰/۲/۱۳۸۲ مقام ریاست جمهوری افغانستان مراکز اصلاح وتربیت اطفال به سیستم بازایجادشدو نام دارالتادیب به مرکزاصلاح وتربیت اطفال تعدیل گردیدواین به دلیل جلوگیری از ایجاد یک هویت ثانوی (انسان بد) برای اطفال بوده است که البتّه استعمال کلمات،متخلف به عوض مجرم وتخلف به جای جرم هم ازاین زاویه و دیدنگریسته شده است.

• **بتاریخ ۱۲/۱۹ ۱۳۸۳** قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در هشت فصل و ۶۶ ماده تصویب شد،

و **درسال ۱۳۸۴** ریاست عمومی مراکز اصلاح وتربیت اطفال درچوکات وزارت عدلیه ایجاد و تشکیل مراکزاصلاح در۳۴ ولایت کشور منظور گردید متعاقباً تصویب قانون مراکزاصلاح وتربیت اطفال درشش فصلو ۴۲ماده - ومقرره تنظیم امور مراکز اصلاح وتربیت اطفال ازجمله دست آورد های این دهه بوده است.البته در بخش زیربنها از اعمار مراکز اصلاح وتربیت اطفال در شهر کابل وهرات میتوان نام برد که بصورت اساسی وپخته اعمار گردیده است.

• **درساحه تقویت روحیه همکاری:** انعاموافقتنامه های همکاری با ادارات دولتی وغیردولتی جهت تسریع روندتجدیدتربیت اطفال متخلف یکی از کلیدی ترین اهداف مراکز اصلاح وتربیت اطفال را تشکیل میدهد. البته نگهداری اطفال محجوز،تعقیب دوسیه های اطفال در محاکم وحارنوالی،اعاشه و اباته،تامین صحت وحفظ الصحه،تامین امنیت وسایرموارد دیگر نیز از فعالیت های مهم مراکز اصلاح وتربیت اطفال میباشد.

در خصوص رسیدن به این اهداف کدام نهاد های دولتی و غیردولتی با شما همکاری هستند؟

واضح است که مراکز اصلاح وتربیت اطفال به منظور نگهداری وتجدید تربیت اطفال متخلف از قانون ایجادشده که این دونگته (نگهداری وتجدید تربیت اطفال متخلف)یک امرنهایت مهم وملی بوده وساحه وسیع راحت پوشش خودداشته است.بر همین مبنی انجام آن ازسوی یک نهاد نه تنهامشکل آفرین بلکه ناممکن هم است.لذا مقنن بعضی از این مسئولیت ها رابه عنوان مکلفیت به دوش سایر ارگنهاونهادهای دولت گذاشته است. مثلا: درعرصه تعلیم وتربیه وزارت محترم معارف،درعرصه تامین صحت وزارت محترم صحت عامه، درعرصه فراهم سازی کتب نشرات وسایر وسایل سمعی وبصری وزارت محترم اطلاعات وفرهنگ،در عرصه تبلیغ وارشاد وتوضیح مسائل دینی برای اطفال وزارت محترم ارشادحج واوقاف ودر مورد پذیرش اطفال بی سرپرست بعد از رهائی از مراکز اصلاح تا زمان پیداشدن ممثل قانونی انها، واعزام کارمندان اجتماعی وزارت محترم کاروموراجتماعی، مکلفیت قانونی دارند تا مراکز اصلاح وتربیت اطفال را همکاری نمایند.که معینان این وزارت خانه ها عضویت شورای عالی مراکز اصلاح تربیت اطفال را نیز دارا میباشند. درکناراین نهاد های دولتی بعضی از موسسات خارجی وملل متحد مانند UNICEF,UNODC,JSSP ,CSSC ,WAR CHILD,T.D.HC.I.C...موسسه اویک، مندیکا موندیبال، موسسه خدمات حقوقی افغانستان وغیره موسسات درعرصه فراهم آوری مساعدتهای حقوقی، تعلیم تربیه، وآموزش کارمندان اجتماعی با مراکز اصلاح وتربیت اطفال همکاری مینمایند.

و اخیراً تفاهنامه همکاری فیمابین وزارت عدلیه و موسسه بین المللی حمایه طفل به امضا رسیده که طی آن موسسه متذکره مکلفیت داشته تا در سه ولایت شمال کشور(جوزجان، بلخ و سرپل) در قسمت فراهم آوری خدمات تعلیمی ، حرفوی و تهیه قرطاسیه و لوازم سپورتی همکاری مینمایند.

اساس وملاک عملکرد نهاد های عدلی وقضائی درخصوص طرزبرخوردبا متخلفین را کدام اسنادتقنینی تشکیل میدهد؟

طی چند سال اخیر اسناد تقنینی جدیدوضع وتصویب گردید که عبارت اند از:

- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مصوب ماه حوت ۱۳۸۳
- قانون مراکزاصلاح وتربیت اطفال مصوب ماه جدی سال ۱۳۸۷.

رره تنظیم امور مراکز اصلاح وتربیت اطفال که دراواخر سال ۱۳۸۷ تصویب شده است.

• **لایحه تعلیم وتربیه وآموزش های حرفوی دربخش بازوبسته مراکزاصلاح ،لایحه ملاقات اطفال درمرکزبسته ،طرزالعمل نگهداری اطفال دربخش بازمرکز اصلاح ،طرزالعمل نگهداری دربخش مرکزبسته اصلاح که درسال ۱۳۸۹ توسط شورای عالی مراکزاصلاح تصویب شده است.**

• **وفعلاهم لوابح تنظیم امورداخلی مراکزاصلاح و تامین امنیت مراکزاصلاح وتربیت اطفال را روی کارداریم که انشاءالله عنقریب تصویب خواهد شد.که باتصویب این اسنادتقنینی ما توانسته ایم بر بیشترین معضلات که درگذشته ازناحیه فقدان یا لا قل کمبودقانون با آن مواجه بودیم فایق آنیم.**

از مرکز باز یادآوری کردید لطفاکمی روشنی روی شیوه های نگهداری اطفال در مرکز باز اصلاح بیان دارید؟

طبق ماده هفتم قانون مراکزاصلاح وتربیت اطفال،اطفال درمراکزاصلاح وتربیت اطفال دردوبخش به شکل باز وبسته نگهداری میشوند .دربخش بسته محلی است که اطفال شب وروز غرض آموزش وتربیه نگهداری میشوند اماندربخش بازمحجوزین صرف ازطرف روز تحت آموزش وتربیه قرار گرفته و البته از طرف شب به اساس ضمانت کتبی مبنی احضار همه روزه انها به اولیا یا ممثل قانونی شان تسلیم داده میشوند.

معضلات عمده که در حالت کنونی بتواند مانع وسد تجدید تربیت اطفال متخلف گر دججه است ؟

نگته خوب را اشاره نمودید ما بررغم دست آورد های که تا کنون داشته ایم ،با یک سلسله معضلات هم مواجه هستیم که مرفوع شدن آن میتواند عاملی باشد برای گسترش هرچه بیشترین دست اوردهاکه عمده ترین شان قراردیل است:

• مطابق قانون مراکزاصلاح وتربیت اطفال محل نگهداری اطفال متخلف بین سنین ۱۲ الی ۱۸ سال کامل میباشد. اما دراکثریت ولایات برای ما اشخاص پائین تر از ۱۲ سال وبالاتر از ۱۸ سال رابه عنوان طفل معرفی مینمایند که این امرمعضلات جدی رابرای ما ایجاد کرده است بلاخص معرفی افراد بالاتر از ۱۸ سال که نگهداری شان میان اطفال دشواری های را ایجادمینماید.

• معضل دیگرما نبود زیربنای فزیکی است که تنها درولایات کابل وهرات برای نگهداری محجوزین تعمیردولتی داریم درسایرولایات نگهداری محجوزین درتعمیرات راهیشی که به کرایه گرفته شده صورت میگیرد.درمرکزاصلاح کابل با وجودیکه تعمیردولتی است ما به ضیقی مکان مواجه هستیم .دریک اطاق که به گونه معیاری برای ۴ محجوزساخته شده اکنون ازروی ناگزیری حدود ۱۵ محجوز نگهداری میگردد.

• **تراکم محجوزین در مراکزاصلاح وتربیت اطفال به دلیل عدم رعایت ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اطفال.زیرا ماده(۸) قانون رسیدگی به تخلفات اطفال صراحت دارد که حجز طفل به عنوان آخرین راه اصلاح وتربیت طفل تلقی گردیده ومحکمه در تعیین مدت حجز حد اقل مدت ممکنه را درنظر میگیرد. اما متأسفانه در اکثر ولایات دیده شده که از حجز به عنوان اولین وآخرین گزینّه استفاده به عمل میآید.**

• نبود محاکم اختصاصی اطفال به استثنای پنج ولایت کشور(کابل، ننگرهار ، کندز ، هرات و بلخ) در سایر ولایات تا حال ا تا صرف به قضایای اطفال انهم بموقع رسیدگی به تخلفات اطفال

و در موسسات اختصاصی خدمات اجتماعی تا اطفال بجای معرفی به مرکز اصلاح وتربیت اطفال به موسسات متذکره معرفی شوند.

در صورتیکه حجز در مراکز اصلاح وتربیت اطفال مطابق (۸) قانون رسیدگی به تخلفات که شما از آن متذکرشدید آخرین گزینّه میباشد ،بیس آیا راهها بدیل حجز نیز در قانون پیش بینی شده است؟

بله! ماده ۳۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال به قاضی صلاحیت داده که در مورد طفل متهم میتواند حسب احوال یکی ازتصامیم ذیل را اتخاذ نماید:

۱- مکلف نموده به انجام خدمات اجتماعی،

۲- فرستادن به یکی موسسات اختصاصی خدمات اجتماعی،

۳- صدور اخطاریه،

۴- سپردن به والدین یاشخصیکه حق سرپرستی وی را دارد،

۵- تعویق محاکمه،

۶- تعلیق مشروط مجازات،

۷- حجز در منزل،

۸- وبلاخره اعزام به مراکز اصلاح و تربیت اطفال غرض تحت حجز قرار دادن.

در حال حاضر در کل کشور آمار اطفالیکه در مراکز اصلاح وتربیت اطفال نگهداری میشود به چند نفر میرسد؟

طبق آخرین گزارشی که از مراکز اصلاح وتربیت اطفال مواصلت نموده وثبت دفتر دیتابیس گردیده فعلا در حدود ۸۲۰ طفل مظنون/ متهم /محکوم در مراکز اصلاح وتربیت اطفال نگهداری میشوند که حدود۱۴% آنها را دختران تشکیل میدهند.

AgahiHoquqi

Publication organ for Ministry of Justice

آگاهی حقوقی

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
مدیر مسول: قانونیال محمد نسیم (برنا) رییس عمومی حقوق مرکز
سر دبیر: در دانه فضائلی
هیأت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه آمانی، سید محمد رضا فخری، گلالی سنکر خیل عزیز، و دوست محمد عارف
گزارش گر: شفیق الله نبی زاده
آدرس: کابل، وزارت عدلیه ریاست عمومی حقوقی مرکز امریت آگاهی عامه حقوقی
دیزاین: احمد خالد جمیلی : kasrajamily@yahoo.com
آدرس انترنتی ما: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqqi@gmail.com

سال پنجم * شماره ۷۵ * ۱۵ ثور ۱۳۹۰ * ۲۰۱۱ * May * ۵

معرفی قانون سرمایه گذاری خصوصی

سید محمد رضا فخری

باشد که موجب ترغیب، حمایت و مصونیت سرمایه گذاران خصوصی داخلی و خارجی غرض رشد و انکشاف اقتصادی، فراهم ساختن زمینه اشتغال، افزایش تولید و عواید صادراتی، انتقال تکنالوژی، بهبود و ارتقای سطح زندگی مردم و رفاه عامه می گردد.

فصل اول این قانون شامل موضوعات ذیل می باشد: اصطلاحات سرمایه گذاری، کمیسیون، سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذار خارجی، قرضه خارجی، شخص حقیقی داخلی، شخص حکمی داخلی، شخصی حکمی خارجی، تاسیسات زیربنایی، سرمایه گذاری، ذخایر طبیعی و غیره .. به صورت واضح بیان گردیده است. فصل دوم و سوم آن به توضیحات پیرامون اداره، تشکیل، ترکیب کمیسیون، وظایف و صلاحیت های کمیسیون، وظایف دفتر، تشیبات منظور شده، درخواست غرض ثبت، طرز ثبت تشیبات و رد آن، ارایه گزارش، لئو امتیازات تشیبات منظور شده پرداخته است. چنانچه در ماده هفتم کمیسیون متشکل از وزیر تجارت، وزیر مالیه، وزیر امور خارجه، وزیر اقتصاد، وزیر معادن و صنایع، وزیر زراعت، مالدار و مواد غذایی، ریس عمومی دافغانستان بانک و رئیس عامل دفتر بحیث عضو بدون حق رای و منشی. ... ادامه در ص/۲

اما در سال های گذشته وجود شماری از مشکلات چون نبود زیربنای اقتصادی، عدم قوانین شفاف سرمایه گذاری، امنیت کامل و آگاهی لازم سرمایه گذاران از شرایط کنونی، باعث گردیده بود که از این فرصت ها استفاده چندانی صورت نگیرد و اقتصاد کشور، رشد ببطی داشته باشد.

بنابراین منظور شد اقتصاد جامعه و با نظر داشت شرایط مناسب و جلب و تشویق سرمایه گذاران داخلی و خارجی دولت ما قانون سرمایه گذاری خصوصی را در (۹) فصل و ۳۳ ماده توسط فرمان (نمبر ۱۰۵) توشیح و در جریده رسمی شماره (۸۶۹) مورخ ۳۸۴/۹/۳۰ به نشر رسانیده است.

این قانون به تاسی از حکم ماده دهم قانون اساسی به منظور تشویق، حمایت و مصونیت سرمایه گذاری ها و تشیبات خصوصی مبتنی بر نظام اقتصاد بازار و تنظیم امور مربوط به آن وضع گردیده است. هدف این قانون عبارت از ارتقای نقش سرمایه گذاری های خصوصی داخلی و خارجی در عرصه اقتصادی کشور و ایجاد نظم قانونی با ساختار اداری آن می

یکی از فکتور های مهم در توسعه و رشد دوباره اقتصاد ملی در کشور میکانیزم و چگونگی سرمایه گذاری به حساب می آید، زیرا سرمایه گذاری یکی از فکتور های اصلی توسعه اقتصاد ملی بوده، بدون سرمایه و سرمایه گذاری دشوار است که از اقتصاد صحبت بعمل آید. اقتصاد ملی با تراکم سرمایه و سرمایه گذاری در بخش های مختلف شکل می گیرد، سرمایه گذاری ها اثرات مستقیم بر رشد و توسعه اقتصاد ملی یک کشور دارند.

اقتصاد پاک ملی تنها می تواند با گردش سرمایه پاک ممکن گردد و باز سازی نیز بدون سرمایه گذاری سالم ناممکن به نظر می رسد برای اینکه بتوانیم از یک اقتصاد سالم داشته باشیم، باید راه هایی سرمایه گذاری سالم و موثر را که سبب رشد و توسعه اقتصادی گردد، جستجو نماییم.

وضع کنونی کشور ما با توجه به ضرورت موجود به تولیدات، موقعیت و امتیازات جغرافیایی، وجود نیروی کار ارزان و بعضی سهولت های تشویقی، فرصت استثنایی را برای سرمایه گذاری فراهم نموده است.

جرم تطهیر پول از دیدگاه قانون

سید یاقر حسینی

با گسترش ارتباطات تجاری، انکشاف راههای درآمدی، میان آمدن انواع مختلف روابط تجاری، انتقال پول در داخل و خارج کشور ضرورت وضع قوانین جوابگو احساس شد. در اکثر موارد افرادی با استفاده از شرایط، درصد برآمدند که از راه های غیر قانونی، پول و درآمدهای راکسب کرده و منبع کسب آن را پنهان نمایند. علاوه بر آن متخلفان دست به اقداماتی می زنند تا درآمدهای غیر مشروع را وجه قانونی بدهند. با در نظر داشت این ضرورت ها، قانون گذاران دست به ایجاد قوانین پیشگیرانه زده و برای متخلفان مجازاتی تعیین کردند. یکی از این قوانین به نام قانون تطهیر پول یاد می شود. در این نوشته با استفاده از قانون مذکور و نظریات حقوقدانان به بحث و بررسی جرم تطهیر پول مطابق به قانون "تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم" میپردازیم. مطابق به قوانین نافذ کشور از جمله قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم، کسی که دست به تطهیر پول بزند، مجرم شناخته شده و متناسب جرم، مطابق به قانون مجازات می گردد.

برای این که تطهیر پول و مجازات پیشبینی شده برای آن را بدانیم، اول جرم تطهیر پول را تعریف کرده و بعداً حکم قانون را در این مورد روشن می سازیم. از جرم تطهیر پول، تعریف های گوناگونی ارایه گردیده است. از جمله ماده سوم قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم، در مورد تطهیر پول چنین صراحت دارد: "شخص در مواردی مرتکب جرم تطهیر پول شناخته می شود: در صورتی که وجه و دارایی ها را پنهان، تغییر شکل، تسعیر، انتقال و یا آن را از کشور خارج و یا وارد نماید، مشروط بر این که علم داشته باشد که دارایی های مذکور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه عمل یا غفلی حاصل گردیده باشد که این عمل یا غفلت در داخل یا خارج کشور یا محل ارتکاب آن، مطابق به قوانین نافذ، جرم پنداشته شده باشد در صورتی که وجه و دارایی ها را با وصف آگاهی از این که طور مستقیم و یا غیر مستقیم از ارتکاب جرم به دست آمده است، حصول، تصاحب یا ادامه در ص/۲

سیمینار آموزشی حقوقی برای کارمندان ریاست حقوق برگزار گردید



سیمینار حقوقی سه روزه برای کارمندان آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی حقوق مرکز و مبلغین آگاهی عامه حقوقی ولایت کابل از تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲ الی ۱۳۹۰/۳/۴ توسط امریت آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی حقوق مرکز با همکاری موسسه گلوبل رایتس در تالار ریاست عمومی حقوق دایر گردید. در آغاز این سیمینار آیاتی چند از کلام الله مجید توسط قاری دوست محمد "عارف" تلاوت گردید.

سپس محترم قانونیال محمد نسیم "برنا" رئیس عمومی حقوق مرکز وزارت عدلیه پیرامون موضوعات آگاهی عامه حقوقی توضیحات لازم ارائه نموده اظهار داشتند که: اکثریت مردم نسبت به حقوق قانونی خویش و نحوه دسترسی به آن و طرز مراجعه به ادارات عدلی و قضائی معلومات کافی نداشته که فقدان آگاهی عامه حقوقی تأثیرات منفی فراوانی را روی کیفیت زندگی آنها وارد می نماید. بزرگترین تأثیر احتمالی فقدان آگاهی حقوقی، پایمال شدن حقوق مشته آنها می باشد.

زیر در صورت عدم آگاهی حقوقی نمی توانند از حقوق حقه شان در ارگان های عدلی و قضائی به درستی دفاع نمایند که در نتیجه، دسترسی به عدالت برای آنها ناممکن می گردد. بنابراین، مردم باید از حقوق شان آگاه شوند و بدانند که چه نوع حقوقی و مجریان قانون به شمول محاکم، ارنوالان، وکلای مدافع و پولیس پشتیبانی و حمایت می شود. برنامه آگاهی حقوقی باید طوری طرح و ارائه گردد که به مخاطبین اصلی آن در منازل، مکاتب یا محلات تجمع مردم از طریق افراد متنفذ محلی، علماء، ملامامان مساجد، معلمان، استادان، محصلان، نمایندگان منتخب، موسسات و رسانه ها برسد. در ادامه سیمینار آقای عبدالرحمن عظیمی امر آگاهی عامه حقوقی ریاست حقوق مرکز وزارت عدلیه پیرامون استراتژی ملی آگاهی عامه حقوقی برای اشتراک کنندگان توضیحات ارائه نمود اظهار داشتند که استراتژی آگاهی عامه حقوقی با هدف هماهنگی با نهادهای داخلی و خارجی ارائه دهنده آگاهی حقوقی، تمویل کنندگان این برنامه ها، ارتقاء ظرفیت کارمندان و ارائه آگاهی عامه حقوقی به عامه مردم بوجود آمده است. در ادامه سیمینار موضوعات خوشونت علیه زنان، حقوق طفل، منع شکنجه و غیره

موضوعات مورد بحث قرار گرفته و از طرف استادان توضیحات لازم در موارد فوق برای اشتراک کنندگان سیمینار داده شد.

در این سیمینار مواد آگاهی حقوقی از قبیل بروشورها، پوسترها، جزوه ها حاوی مطالب حقوقی و به تعداد (۶۳) نسخه استراتژی ملی آگاهی عامه حقوقی توسط مدیریت عمومی تبلیغات و نشرات آگاهی عامه برای اشتراک کنندگان این سیمینار توزیع گردید.

گزارشگر شفیق الله "نبی زاده"

مصاحبه با رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال پیرامون وضعیت این مرکز

بشیر احمد

از ریاست های مهم وزارت عدلیه، ریاست مرکز اصلاح و تربیت اطفال است؛ اینک پیرامون فعالیت های این مرکز مصاحبه ای را که با جناب آقای صدیقی رئیس محترم مرکز اصلاح و تربیت اطفال انجام داده ایم خدمت خوانندگان محترم تقدیم می داریم:

لطف نموده معلومات مختصر پیرامون وضعیت کلی مراکز اصلاح و تربیت اطفال ارائه داشته و بیان دارید که این مراکز به چه منظوری بوجود آمده است؟

طی سال اخیر مراکز اصلاح و تربیت اطفال در مقایسه با وضعیت سابق آن بهبودی خوبی را کسب نموده است. ما امیدواریم بتوانیم در آینده نزدیک به وضعیت بهتری دست یابیم. در کل میتوان دست آورد های مهم و کلیدی را در چند نکته ذیل بر شمرد:

• در سال ۱۳۸۲ طی فرمان شماره (۲) ۱۳۸۲/۲/۱۰ مقام ریاست جمهوری افغانستان مراکز اصلاح و تربیت اطفال به سیستم باز ایجاد شدو نام دارالتادیب به مرکز اصلاح و تربیت اطفال تعدیل گردیدو این به دلیل جلوگیری از ایجاد یک هویت ثانوی (انسان بد) برای اطفال بوده است که البته استعمال کلمات، متخلف به عوض مجرم و تخلف به جای جرم هم از این زاویه و دیدنگر بسته شده است.

• بتاریخ ۱۲/۱۹ ۱۳۸۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در هشت... ادامه در ص/۳



ضرر توسط عمل بالمثل از بین برده نمی شود. (ماده ۶ قانون مدنی)